

تاریخ 29/06/2008

نویسنده معصوم مشایع

رسوایی که دامنگیر لطیف پدram شده

به تاریخ 27 جون در پورتال افغان جرمن آنلاين مصاحبه ای از لطیف پدram رهبر کنگره ای ملی افغانستان به نشر رسید که او با کلمات دور از کرامت انسانی و اداب اسلامی به غازی امان الله خان محصل آزادی و استقلال افغانستان توهین نموده و او را اشغالگر سرزمین های شمال افغانستان!! خوانده و در پهلوئی نام او چند شخصیت ملی دیگر را هم دشنام داده است.

برای من غیر قابل باور بود. اگر چه صدای او همان صدای پر طمطراق و فرعون وار است. اما در مصاحبه های او که با فرشته حضرتی در رادیوی پیام به اصطلاح زن انجام داده بود و کسی حتی کلمه ای هم از مصاحبه اش را نمیفهمید و غیر از همان اصطلاح ایرانی ها (در واقع) دیگری کلمات اش را از بینی اش اداء میکرد و من نداستم که چه میگوید. بهر صورت خواستم یکی از دوستانم از شهر کابل که از مدتی با لطیف پدram آشنایی و گاهی هم بگفته ای خودش در محافل درفشانی هایش شرکت میکند به پرسم. زنگ کشیدم و بعد از احوال پرسوی جویای این مسئله شدم. برایم غیر قابل باور بود. او گفت:

این مسئله تازه نیست و این برمیگردد به یکسال پیش. البته من هم در آن مجلس نبودم و کسی دیگر برایم اظهار کرد که در یک شب نشینی به یکی از هتل های شهر نو کابل لطیف پدram در حالیکه از مستی و نوشیدن مشروب زیاد سر از پا نمیشناخت به جواب یکی از جنرال های عبدالرشید دوستم که پشتون ها را کی به شمال کشور فرستاد. اظهاراتی کرد و همه را به حیرت انداخت. او به پدر امان الله خان غازی دشنام داد و خلاصه او را مسوول تمام بدبختی های مردم شمال معرفی کرد. در ختم مجلس و در حالیکه به زحمت میتوانست خود را کنترل کند شعار داد زنده باد جنبش های آزادی خواهی سمت شمال و به امید محو کامل پشتون های شمال کشور.

پرسیدم کسی احتجاج نکرد. جواب داد والله اگر راست میپرسی همه غرق بودیم و درین گونه موارد سیاست بد آدم میآید. گفتم شاید همان مصاحبه اش فعلن به انترنت آمده. جواب داد شکی نیست این روز ها دیوار گوش دارد. امروز تاریخ 29 جون سایت خاوران و فرشته جان حضرتی چون فرشته نجات دوباره به سراغ لطیف پدram رفته و از او جویای این مسئله شده است. من همیقدر از گپ های پدram فهمیدم که موضوع اهانت را رد کرده اما انتقاد اش را از امان الله خان غازی رار تائید میکند که حتی خاک و سنگ وطن درود گوی اوست. این دفعه هم با همان عقاید بیمار گونه اش کشمش و پندانه نزد او فرقی ندارد.

آری هموطن عزیز: اینست بیماری که مستحق دوا و طبیب است و اینست شاعری که دم از انسانیت، و معنویت میزند. لطیف پدram که خود را در مقام رهبری و کاندیدای ریاست جمهوری آینده افغانستان در نظر گرفته وقتی چند پیک مشروب امریکایی نوش جان کرد به سایه شتر راه میرود و خواب دهلی را میبیند. ببخبر از آنکه:

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش
من از طرز خرامت میشناسم
تویی درملک مردان مثل ابلیس
من اینرا از مرامت میشناسم